



POLITICAL

سیاست

در عرصه بین المللی اعمال و رفتار ایالات یک کشور دارای آثار بین المللی علیه آن ایالت خاص نیست چون در مجموع شخصیت حقوقی یک کشور است که مورد استناد است. در این موارد هم چنانچه اعمال یک ایالت در تضاد با تعهدات بین المللی کشور مورد نظر باشد، این برای آن کشور مسئولیت به بار می آورد. به دیگر سخن دولت مرکزی نمی تواند با این دستاویز که ایالات آن کشور دارای استقلال هستند از مسئولیت شانه خالی کند. لذا اگر اقدامی در تضاد با تعهدات بین المللی یک کشور باشد، حتی اگر یک ایالت محلی آن را انجام داده باشد باعث مسئولیت کشور می باشد.

به طور خلاصه اگر خواسته باشید وضعیت وضع تحریم ها علیه کشور مان را در یک جمله بیان کنید، آن جمله چیست؟ تحریم اقتصادی به عنوان یک ابزار همیشه حدود و ثغور دارد. به دیگر سخن اگر اعمال حق باعث تضییع حقوق اساسی یک گروه و یا ملتی شود، این با اصول اولیه حقوقی در تضاد است. به عنوان مثال شما در هیچ لایحه و یا مقررات تحریم اعم از همه جانبه و یا تحریم های دو جانبه نمی توانید ببینید که هدف آن تحت فشار قرار دادن یک جامعه و یا گروهی از مردم باشد. ولی در عمل شاهد هستیم که وضع تحریم های اقتصادی فقط باعث در مضیقه قرار گرفتن بخش های سلامت و بیماران، سیستم آموزشی و حتی امور روزمره و تغذیه شهروندان یک کشور است که در نتیجه و یاد ر نظر داشتن این موضوع با اصول اولیه حقوقی در تضاد کامل است. بنا بر این سوای مسائل سیاسی که همیشه نقش اساسی در وضع محدودیت ها در عرصه بین المللی دارد، باید گفت جامعه جهانی به این نتیجه رسیده که وضع نوع تحریم ها علیه ایران با اهداف و حتی اصول حاکم بر روابط بین الملل در تضاد است. از این رو شما فرق تحریم های جدید و قدیم را در نوع و سیستم تحریم های علیه روسیه مشاهده می کنید. در حقیقت تحریم های علیه روسیه به نوعی هدفمندتر تدوین و اجرایی شده است.

به عنوان آخرین سوال تاثیر رفع تحریم ها بر اقتصاد کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

اگر خواسته باشیم کارشناسانه به موضوع نگاه کنیم، باید چند موضوع را مدنظر قرار داد. اول این که فرایند رفع تحریم های یک شبه اتفاق نخواهد افتاد و حتی اگر هم توافق کامل انجام شود، بازار سرمایه و اقتصاد قواعد خاص خود را دارد. به عنوان مثال شاید فعالان اقتصادی دنیا، سرمایه گذاران صاحبان فناوری های نوین، مشتاق به ورود به بازار باشند، ولی با توجه به ذهنیت ساخته شده در طول دهه های اخیر، آنها با احتیاط وارد خواهند شد و در این سونیز، اگر شتاب بی موردی صورت گیرد، باعث ایجاد نوعی از تعهداتی خواهد شد که بسیاری از کشورها مانند آرژانتین قبلا آن را تجربه کرده اند به نحوی که در برهه زمانی آن کشورها با هجوم سرمایه و انعقاد قرارداد های خاصی مواجه شدند و در کوتاه مدت شکوفایی اقتصادی برای آنها به ارمغان داشت، ولی در بلند مدت آرژانتین محکوم و مدیون به شروط قرارداد هایی است که با شرکت های فراملی بسته است و الا ن در گیر بحران اقتصادی و همچنین دعاوی میلیار دی در مراجع داوری است. در نتیجه به طور خلاصه باید گفت که طبیعی خواهد بود که بارف تحریم ها شاید در کوتاه مدت شوکی به جامعه و اقتصاد وارد نشود ولی این شوک کاملاً موقتی است لذا رفع تحریم به ذات خویش شکوفایی اقتصادی نیست بلکه مهیا شدن بستر برای برنامه ریزی اقتصادی است. دوم این که، هیچ کسی نمی تواند آثار منفی تحریم ها را نادیده بگیرد، در عین حال، اگر برنامه ریزی صحیحی می بود، تحریم ها می توانست یک فرصت استثنایی برای بومی کردن فناوری، افزایش تولید و ایجاد محدودیت واردات کالا به کشور باشد. در حقیقت من نگران این هستم که بارف احتمالی تحریم ها، ما توجه لازم را به تولیدات ملی کمتر کنیم و بدون مطالعه کافی اقتصاد کشور را در قالب معاهدات و قرارداد هایی خاص بیشتر وابسته به واردات کنیم. و آخرین موضوع اینکه، بارف احتمالی تحریم ها، تازه مشکلات حقوقی در خصوص تعهدات قراردادی که به علت موضوع تحریم ها در این چند سال مسکوت مانده، و همچنین تفاسیر جدید و متعدد از مفاد تعهدات آنی طرفین نیز افزایش خواهد یافت. لذا آمادگی اقتصادی، حقوقی و سیاسی شرط اصلی عبور از این وضعیت خواهد بود.

WTO یاد یوان بین المللی دادگستری ICJ حق ورود به این موضوع را می یابد و با بررسی حقوقی موضوع معین می کنند که آیا مصادیق اعمال چنین حق و افعار عایت شده است یا خیر. در واقع هدف این است که موضوع تحریم ها در عرصه بین المللی قاعده مند شود یعنی هر کشوری نتواند برای خودش تعریفی از محدودیت داشته باشد و هر زمان که اراده کرد بتواند چنین محدودیتی را ایجاد کند.

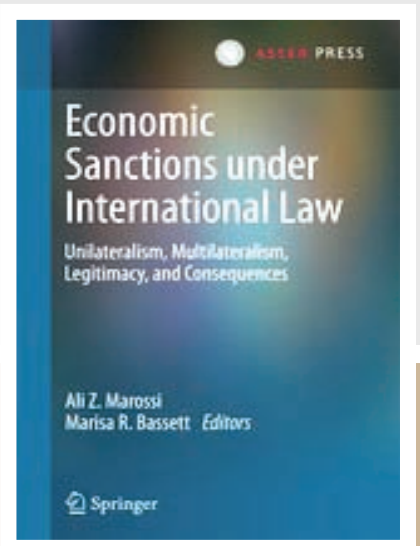
آیا تجربه اعمال این روند به اصلاح یا برآورده شدن اهداف ناشی از اعمال تحریم انجامیده است؟

متأسفانه موضوع تحریم ها مسئله ای است که در محافل تحقیقاتی و دانشگاهی به اندازه کافی به آن پرداخته نشده است. در واقع می توان گفت که این حوزه، یک حوزه ناشناخته است. شما ملا حظه کنید اتحادیه اروپا اسمیک شرکت و یا شخص را در فهرست تحریم قرار می دهد و شخص یا شرکت مذکور در دادگاه صالحه اتحادیه اروپا در لوگز آمبورگ طرح دعوی می کند و دادگاه هم حکم به رفع تحریم می دهد، اما بلافاصله رکن اجرایی اتحادیه اروپا یعنی شورای وزیران و کمیسیون اروپا آن شخص را در فهرست جدیدی قرار می دهد! این به معنای سوءاستفاده از قدرت اجرایی و به سخره گرفتن نظام قضایی است. به نحوی که بنده شخصاً بر این اعتقادم که با توجه به این رویه اتحادیه اروپا، طرح دعوی نزد دادگاه اروپایی فقط موجب اتلاف وقت و سرمایه است و به نوعی به دور باطل منجر خواهد شد.

با این تعریف آیا امکان طرح دعوی و پیگیری حقوقی در مجامع حقوقی بین المللی در قبال تحریم های یک جانبه وجود دارد؟

تحریم یک جانبه فقط در صورتی در مراجع فراملی قابل طرح است که آن مرجع صلاحیت رسیدگی به دعای بین دو کشور را داشته باشد و ابزار های حقوقی مانند معاهده بین طرفین در این مورد وجود داشته باشد. به علاوه هر کشور و یا شخصی که قصد طرح پرونده ای را نزد یک مرجع فراملی دارد ابتدا باید با بررسی های همه جانبه و شناسایی مقررات و رویه های قضایی موجود، جو حاکم بر هیئت تصمیم گیری و شرایط محیطی و سیاسی حاکم بر موضوع را به دقت مورد بررسی قرار دهد و متعاقب آن اقدام کند. به عنوان مثال سوای مسئله سودو زیان و ملاحظات کشور ها، این امکان وجود داشت که در خصوص بعضی از تحریم های یک جانبه علیه ایران، دیگر کشور هایی مانند روسیه و چین اقدامات حقوقی را در مرجع حل و فصل دعاوی سازمان تجارت جهانی طرح کنند. ولی بنا به مصالحی که آنها با خود دارند، هیچگاه حتی در حد یک امکان نیز مورد توجه این کشور ها قرار نگرفت. در حالی که در این خصوص نیز سابقه قانون هلمز برتون (Helms-Burton) را داریم که در آن به محض وضع تحریم ها توسط ایالات متحده علیه کوبا در سال ۱۹۹۶، کشور های بسیاری از جمله کانادا و اتحادیه اروپا به عنوان شرکای تجاری آمریکا اعتراض رسمی خود را به این قانون فراملی اعلام کردند. در این خصوص حتی اتحادیه اروپا دعوایی را علیه آمریکا نزد مرجع حل و فصل سازمان تجارت جهانی WTO مطرح کرد، اگر چه در نهایت طرفین به نوعی با مصالحه و تعدیل در اجرای تحریم از پیگیری موضوع منصرف شدند. در نتیجه امکان طرح دعوی بوده و هست اما چنین امکانی مقید به شرایط و بررسی های همه جانبه توسط شرکای بین المللی بوده و هست.

با توجه به این که برخی ایالت های آمریکا به طور جداگانه به وضع تحریم ها اقدام کرده اند بحث مسئولیت دولت ها در قبال این اقدامات چیست؟



کار شکنی بوده و هست که واقعا در مواردی غیر از توکل به لطف خدا هیچ نیرویی توان کمک نداشت. در تدوین این کتاب یک شورای ۱۲ نفره علمی به همراه حدود ۱۴ نویسنده اعم از قضات بین المللی، اساتید و اندیشمندان مطرح از کشورهای مختلف، از جمله آمریکا، انگلیس، فرانسه، هلند، یونان، فنلاند، گرجستان، ژاپن، مالزی، کشورهای آفریقایی و ایران درگیر بودند که هر کدام در یک موضوع خاص تحت عنوان کلی تحریم به بررسی حقوقی و اقتصادی موضوع تحریم ها پرداختند. به عنوان مثال نویسند های معتقد است که تحریم یک ابزار است و می توان آن را اعمال کرد اما شرایطی دارد که باید مراعات شود، از طرفی برخی نویسندگان به نقد کاملاً علمی تحریم های اتحادیه اروپا به عنوان یک نهاد فراملی می پردازند و چارچوب تحریم های اتحادیه اروپا به چالش می کشند و برخی دیگر اثر تحریم ها در موضوعات حقوق بشری را مورد بررسی قرار می دهند. نویسند های بحث ثنوری تحریم هدفمند و استفاده از ابزار ها را مطرح می کنند و به خصوص به تحریم افراد نظامی برای حمایت از زنان در مناطق جنگ زده می پردازد. لذا از دیدگاه این نویسند ه همین ابزاری که در پرونده ایران، سوریه و کره شمالی به طور قطع مذموم است، در پرونده درگیری های قومی آفریقای می تواند پسندیده و قلمداد شود.

اکنون سوال این است که چرا ما کمتر شاهد محصولات و مطالعات نهاد های رسمی و دانشگاهی ایران که وظیفه ادبیات سازی موضوعاتی مانند تحریم ها و دیگر اقدامات فراتر از قوانین کشور های دیگر در عرصه بین المللی را دارند هستیم؟

مادر حقیقت اطلاعاتی از این که کار های تحقیقاتی و حقوقی مربوط به تحریم ها وظیفه کدام نهاد و یا سازمانی است و به چه میزان انجام شده یا خیر را نداریم لذا در مقامی هم نیستیم که بخواهیم نقد و یا نظری در خصوص آن ارائه کنیم. در این زمینه هیچ ارتباطی هم با نهاد های مسئول موضوعات حقوقی در ایران نداشته ایم. البته به عنوان یک شهروند ایرانی اخبار و یا مقالاتی را که حاصل تلاش کارشناسان ارزنده وزارت امور خارجه بوده مشاهده کرده ایم که باید به آنها خسته نباشید گفت. ولی هدف همکاران مادر مرکز فقط ارائه تحقیقات علمی و غیر سیاسی با جنبه تخصصی صرف به جامعه بین المللی بوده و هست. البته ذکر این نکته لازم است که موضوع تحریم های اقتصادی یک مسئله مقید به یک دوره زمانی خاص نیست که به صرف رفع تحریم، آن را پایان یافته بدانیم. بلکه تازه عواقب و موضوعات و تفاسیر حقوقی آن شروع خواهد شد.

مقاله ای نیز از خود شما با عنوان «اقدامات یک جانبه و صلاحیت بررسی مراجع فراملی» در این مجموعه هست. با توجه به محتوای آن منظور تان از بررسی مراجع فراملی چیست؟

با توجه به آثار نویسندگان بزرگی که در این کتاب جمع آوری شده است، پیام مقاله بنده که مسلماً خالی از ایراد هم نیست، این است که اقدامات یک کشور در موضوعات ملی و تصمیمات آن کشور تابعی است از منافع، امنیت و سیاست های ملی یک کشور، در این خصوص یک کشور شاید تصمیم بگیرد که اقدامات یک جانبه ای مانند تحریم را علیه دیگر کشور ها نیز اعمال کند. در این بخش از کتاب ضمن محترم شمردن حقوق کشور ها در حفاظت از منافع ملی و امنیت ملی خویش به این موضوع پرداخته شده که حدود و ثغور آن کجا است؟ به دیگر سخن حتی اگر یک کنوانسیون و یا معاهده مانند ماده 21 GATT- به اعضا اجازه داده باشد که بنا بر منافع و امنیت ملی خویش محدودیت هایی را به تعهدات خویش اعمال کنند، اکنون سوال این است که معیار تعریف منافع و امنیت ملی چیست؟ یعنی آیا یک کشور می تواند به صرف استناد به این حق هر گونه محدودیتی را به دیگران اعمال کند؟ جواب مشخص است: خیر- زیرا چنین اعمال حقی همیشه باید مقید و مشروط به شرایط باشد. در نتیجه اقدامات یکجانبه کشور ها حتی اگر با توجه اعمال حق ناشی از یک معاهده باشد نیز باید در مرجعی فراملی مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که آیا واقعا بحث اعمال محدودیت و یا اعمال حق بر اساس استانداردهای جاری انجام پذیرفته است یا خیر.

این رویکرد در عمل چه پیامدهایی در حوزه قواعد بین الملل داشته است؟

مهم ترین پیامد می تواند این باشد که مراجع صالح در عرصه بین المللی مانند مرجع حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی

